

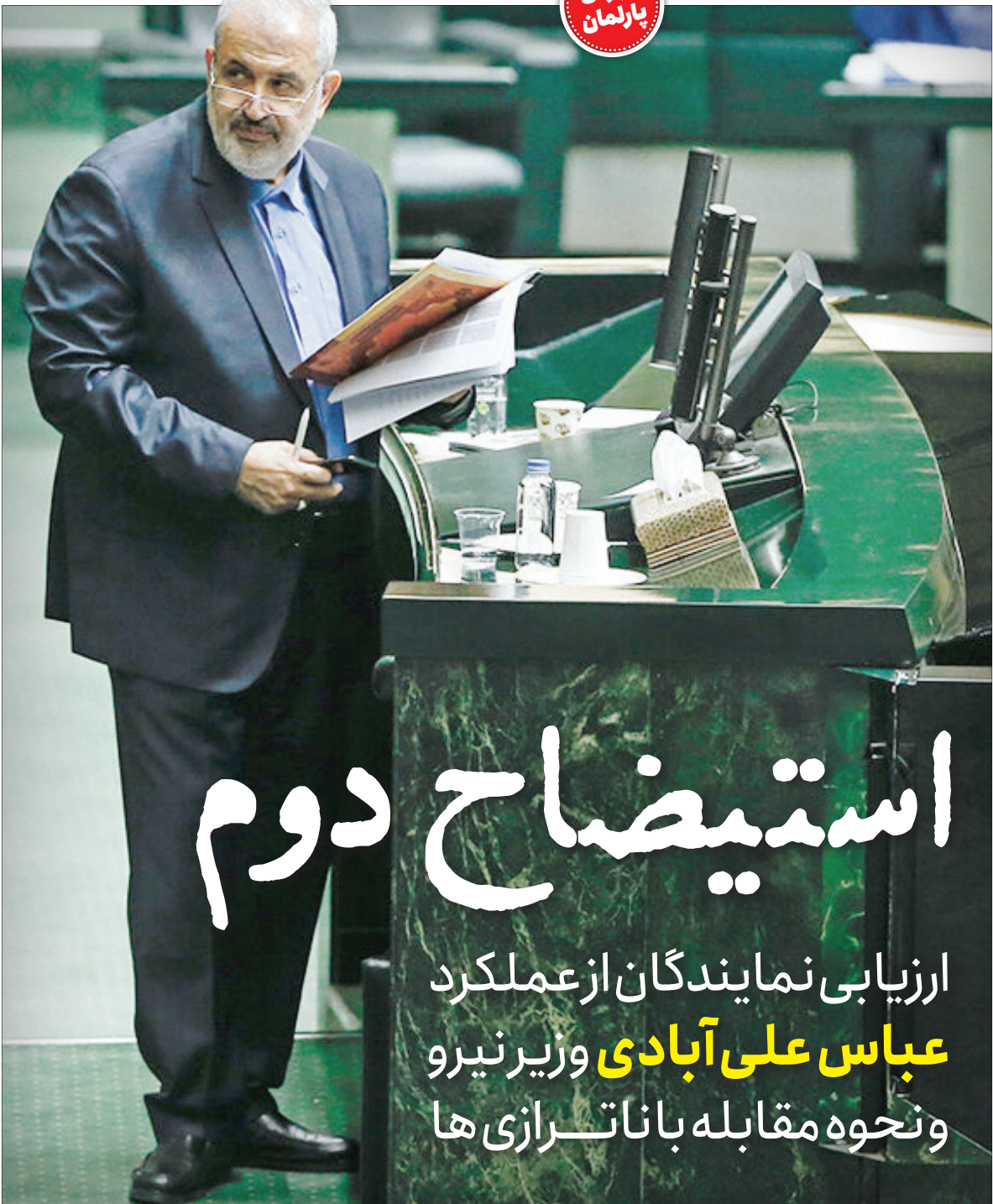
پاسخ زیدآبادی به فضاسازی جدید کیهان

احمد زیدآبادی، نویسنده و مشاور هم‌میهن در کانال تلگرامی خود نوشت: «روزنامه کیهان بنا به ضرب‌المثل «کافر همه را به کیش خود پندارد» گمان کرده که هم‌میهن هم شبیه خود آن است و تمام کسانی که در آن قلم می‌زنند، همه یک نگاه و خط سیاسی و اعتقادی واحد دارند و از یک آبخشور فکری، تغذیه می‌کنند! برای گردانندگان کیهان اصلاً امری به اسم تکثر و تعدد سلاطین و علایق و نگاه و تحلیل در یک رسانه، گویی اصلاً قابل تصور نیست: همانطور که در سطح جامعه‌برایشان قابل تصور نیست! به همین دلیل کیهان سرمقاله هم‌میهن درباره انتخاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی را با محتوای یادداشت یکی دیگر از نویسندگان روزنامه با هم مقایسه کرده و به‌زعم خود کلی سرکیچی و تناقض از آن درآورده است! این همه نبوغ واقعاً جای رشک دارد!» وی در ادامه نوشت: «کیهان در شماره قبلی خود هم مطلب مربوط به منحرف کردن ابرهای ایران به سمت پاکو توسط اسرائیل را مربوط به مخاطبانش در ستون «کیهان و خوانندگان» دانسته و نسبت به درج این مطلب از خود رفع مسئولیت کرده بود! در ابتدا باید اذعان کرد که مطالب مندرج در یک روزنامه همه یک وزن ندارند و منطقاً نباید مندرجات ستونی مثل «نظرات خوانندگان» را هم‌وزن سرمقاله یا یادداشت به حساب آورد و حکمی واحد درباره آنها صادر کرد. از همین رو، از رسانه‌ها انتظار می‌رود که وقتی از یک روزنامه نقل قول می‌کنند، به ستون مربوطه هم اشاره داشته باشند تا امانت رعایت شود. با این حال، مگر ستون «کیهان و خوانندگان» واقعاً تریبونی باز و آزاد برای اظهارنظر شهروندان است؟ حتی به فرض اینکه محتویات این ستون کاملاً ساختگی و خودنویس نباشد، واضح است که تا آنها از فیلتر سفت و سخت گردانندگان کیهان عبور نکنند، محال است امکانی برای نشر در آن ستون پیدا کنند! می‌گویید نه؟ امتحانش ساده است! همین الان گوشی را بردارید و به شماره مختص «کیهان و خوانندگان» زنگ بزنید و درباره رفع حصر، یا آزادی زندانیان سیاسی، یا تعریف از خاتمی، یا دفاع از مذاکره، یا مخالفت با حجاب اجباری، یا هر آنچه که به ذائقه کیهانیان ناخوش می‌آید، پیامی بگذارید. اگر حتی یکی از آنها در ستون «کیهان و خوانندگان» منتشر شد، آنگاه همگی تصدیق خواهیم کرد که مندرجات ستون «کیهان و خوانندگان» نظرات گردانندگان این روزنامه نیست و هرگز نباید به آنها استناد کرد!»

دعای دو اصول‌گرا

بعدازظهر شنبه، یاسر جبرائیلی، رئیس سابق مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام که چند وقتی است نشریه حکمران را راه انداخته است، در صفحه توئیترش نوشت: «برادر عزیزمان سردار حمیدرضا مقدم‌فر مشاور فرمانده کل «سپاه» فرموده که یک فکری در «نظام» ایجاد شده بود که ما مدیرانی داریم که ظرفیت اداره کشور را دارند و یکی از اولین گزینه‌هایی که به فکر «همه» می‌رسید آقای طهرانچی بود و در خیلی از «محافل» این بحث بود. این فرمایشات، فارغ از اینکه پرده‌برداری از نحوه چینش سیاسی کشور است، استهزای جمهوری و اهانت به سپاه است. تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بیش از پیش این ضرورت را آشکار ساخت که دستگاه نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی نیاز به یک بازمهندسی اساسی دارد و یکی از شقوق مهم این بازمهندسی و بلکه مقدمه آن، خروج این نهادها از رقابت‌های سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی است.» پس از انتشار این متن، کیان عبدالهی، سردبیر تسنیم در پاسخ به جبرائیلی نوشت: «جناب یاسر جبرائیلی گفته اینکه کسی بگوید شهید دکتر طهرانچی مدیر راهبردی بوده و از نظر برخی ظرفیت اداره سطح بالا در کشور را هم داشته، استهزای جمهوری است. جناب جبرائیلی! فارغ از اینکه هر کسی می‌تواند موافق یا مخالف مدیریت شهید طهرانچی باشد، واکنش شما به یک دیدگاه درباره مدیریت سیاسی کشور با مزه است. استهزای جمهوری که هیچ، شوخی تلخ «جلسه آنگوشتی» برای اداره سیاسی ایران بود، از آن عکس و آن ترکیب توهین‌آمیزتر سراغ دارید؟» او در ادامه آورد: «هر کسی می‌تواند با این گزاره که طهرانچی می‌توانسته مدیر جایی باشد یا نباشد موافقت یا مخالفت کند؛ هیچ ایرادی ندارد؛ اما خود همین جناب جبرائیلی، دوست ما، می‌گفت که می‌خواست کاندیدای ریاست جمهوری شود اما کسی که رویش حساب می‌کرده تا از او حمایت کند، نهایتاً او را قاتل گذاشته و خودش نامزد شده است! جناب جبرائیلی! تو بدون حتی یک روز سابقه اجرایی سطح بالا چنین تخیلی درباره خودت داشتی، حالا درباره استهزای جمهوریت صحبت می‌کنی؟»

گزارش پارلمان



استیضاح دوم

ارزیابی نمایندگان از عملکرد عباس علی‌آبادی وزیر نیرو ونحوه مقابله باناترازی‌ها

حاکم ممکنانی سخنگوی کمیسیون اقتصادی:

با تغییر ساعت تنها یک درصد صرفه جویی ایجاد می‌شود

مدیریت کرده و آنها را برچیند؟ چطور در ۱۲ روز جنگ به‌رم قطع اینترنت، هیچ مشکلی در موضوع برق و ناترازی انرژی نداشتیم؟ مگر این کشور همان کشور، با همان جمعیت و همان مسائل مشکلات نیست؟ متأسفانه دولت‌ها یک عادت بد و غیرکارشناسی که دارند این است که در برخورد با مشکلات، می‌خواهند سوءمدیریت خود را گردن مجلس بیندازند به همین سبب از نقص قانون، خلأ و نبود قوانین یا نیاز به اصلاح قانون سخن می‌گویند. مجلس دوازدهم روز اول به دولت چهاردهم اعلام کرد: «هر جایی که دولت احساس می‌کند قانون نیاز به اصلاح دارد یا خلأ قانونی وجود دارد، حتماً با دولت همراهی می‌کند و بلافاصله به رفع مشکل قانونی در راستای حل مشکلات جامعه به وضع قانون جدید یا اصلاح قوانین گذشته اقدام می‌کند.» دولت در صورت نارضایتی از مجلس اعلام کند که قانونی یا اصلاح قانونی را درخواست کرده و مجلس همراهی نکرد. تغییر ساعت بحث کاملاً کارشناسی بود و مرکز پژوهش‌های مجلس هم به این نتیجه رسیده بود که تغییر ساعت از نظر انرژی هیچ تأثیری ندارد.

این گزارش چگونه تهیه شده است؟

این گزارش از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه شد. در گزارشی که وزارت نیرو به مجلس ارائه کرده بود هم اعلام شده بود که احتمال دارد یک درصد از انرژی صرفه‌جویی کنیم.

آیا تعطیلات به دلیل ناترازی انرژی در مجلس بررسی شده است؟

مجلس حاضر نیست تعطیلاتی صورت بپذیرد. به‌رم اینکه در دوره جنگ هم دولت بسیاری از اوقات دستگاه‌ها را تعطیل کرد یا میزبان کارمندان را به یک‌سوم کاهش داد، نمایندگان مجلس اتفاقاً با اکثریت در صحن حاضر بودند. ما با تغییر ساعت مخالفت کردیم دولت دارد توپ را به زمین مجلس می‌اندازد، اگر مجلس اجازه تعطیلات را به دولت ندهد، مطمئناً بهانه‌ای به دست دولت می‌افتد و بسیار راحت بعضی از قصور و سهل‌انگاری‌های خود را به گردن مجلس می‌اندازد. البته مجلس هم تا حدی در مقابل این تعطیلات مامشات می‌کند. اگر نیاز باشد حتماً از رئیس‌جمهور و وزاری مربوطه سوال می‌پرسیم و اگر واقعاً مستند با از نظر کارشناسی دلیل منطقی نداشته باشند، احتمال دارد مجلس عکس‌العمل نشان دهد.

آذرماه سال گذشته آقای رئیس‌جمهور برحسب محاسبات آقای علی‌آبادی درباره

دستگاه‌های برقی و الکتریکی شده است. تمام این اتفاقات نارضایتی اساسی را ایجاد کرده که مردم از طریق تماس تلفنی یا پیامک یا مراجعه به دفتر نمایندگان نارضایتی شدید خود را ابراز کرده‌اند.

برخی معتقد بودند که مجلس در این مدت با وزیر نیرو مماشات کرده چراکه آقای علی‌آبادی از دولت قبل در دولت چهاردهم باقی مانده است. در حالی که به سرعت استیضاح آقای همتی را مطرح کرده و به نتیجه رساندند. چقدر همراهی سیاسی در استیضاح نشدن آقای علی‌آبادی تأثیر داشته است؟

من فکر نمی‌کنم استیضاح آقای علی‌آبادی به دولت قبل یا مسائل سیاسی برگردد، چون وزارت نیرو یک وزارت کاملاً فنی و تخصصی و وظیفه آن خدمات‌رسانی است. اما یکی از دلایلی که باعث طول کشیدن این استیضاح شد، این بود که دولت و وزارت نیرو اعلام می‌کردند در حال مدیریت ناترازی‌ها هستیم با مشکلات را حل کنیم. قرار بود استیضاح آقای علی‌آبادی کلید بخورد اما وقتی جنگ اتفاق افتاد کشور نیاز به یک انسجام، همدلی و اتحاد داشت و اصلاً منطقی و درست نبود در آن شرایط استیضاح این وزیر کلید بخورد. اما بلافاصله بعد از اتمام دوره جنگ و زمانی که کارها به روال عادی خود برگشت، مجلس براساس اختیارات نظارتی اش اقدام به استیضاح وزیر نیرو کرد.

یکی از موضوعاتی که مطرح شده این بود که وقتی مجلس با طرح

تغییر ساعت برای استفاده بیشتر از انرژی مخالفت کرده با اجازه استفاده از کارشناسانی مانند آقای کاوه مدنی را در سال‌های اخیر نداده، چگونه انتظار دارد که وزیر با این کادر کنونی بتواند موضوع ناترازی‌ها را مدیریت کند؟

واقعاً اگر مجلس با تغییر ساعت موافقت می‌کرد، میزان مصرف انرژی کاهش پیدا می‌کرد؟ در زمان این موضوع، این مسئله کارشناسی و گزارشی به مجلس ارائه شد. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس احتمال داشت تنها یک درصد استفاده از انرژی کاهش پیدا کند، ساعت چه ربطی دارد که

آقایان اول بهار آب‌های پشت سد‌های تولید برق را آزاد کردند و منجر به این شد که در تابستان با کمبود آب مواجه شویم؟ از سوی دیگر چرا نمی‌توانست مزارع ماینرها را



پریسا هاشمی

خبرنگار پارلمانی هم‌میهن

براساس تصمیم مجلس و با ۱۰۰ امضا عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو دومین وزیر دولت چهاردهم است که در مسیر استیضاح قرار دارد و شواهد و قرائن مبنی بر این است که نمایندگان قصد دارند رای اعتماد خود را از او پس بگیرند و احتمالاً دولت مجبور به انتخاب یک وزیر دیگر خواهد شد. برخی از نمایندگان معتقدند؛ علی‌آبادی برنامه‌هایی به مجلس ارائه کرده و به پشتوانه آن توانسته اعتماد نمایندگان را جلب کند که حالا اجرا نشده است. حتی به جلسات متعدد کمیسیون‌های مختلف دعوت شده اما نتوانسته سوالات آنها را به طوری پاسخ دهد که قانع شوند. از سوی دیگر نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه از سوی مردم تحت فشار قرار گرفته‌اند و مطالبات اولیه و حداقلی آنها در دفاتر بی‌پاسخ مانده است. لذا نمایندگان بر آن شدند که وزیر را پای میز استیضاح بکشانند و اگر پاسخ‌های کلیشه‌ای و همیشگی را شنیدند، به خروجش از سکانداری وزارت نیرو رای مثبت دهند، شاید فردی شایسته جای او را بگیرد. علی‌آبادی تنها زمانی موفق می‌شود که از دل استیضاح به سلامت عبور کند که برنامه کوتاه‌مدتی که منجر به کاهش حداقلی بحران می‌شود را به مجلس ارائه کند. از سوی دیگر برنامه‌های بلندمدت اما پرسرعت خود را تشریح کند. در غیراین صورت او نیز دچار سرنوشت عبدالناصر همتی شده و باید پس از ۴ سال هیئت دولت را ترک کند تا شخص دیگری سکان وزارت نیرو را به دست گیرد.

بحران آب و برق

دلیل اصلی و عمده استیضاح علی‌آبادی ناترازی برق در ایران است که دیگر یک اصطلاح خشک مهندسی یا دغدغه محدود به تابستان‌های داغ نیست؛ به یک بحران ساختاری و چندلایه تبدیل شده که آثارش از اتاق‌های کنترل نیروگاه‌ها تا چراغ‌های خاموش خانه‌ها و کل خانه‌ها امتداد دارد. طی دودهمه اخیر، رشد جمعیت شهری، افزایش بی‌سابقه استفاده از لوازم برقی و گسترش صنایع انرژی‌بر - اعم از فولاد و سیمان تا پتروشیمی - در حالی رخ داده که سرمایه‌گذاری در توسعه و نوسازی شبکه تولید و انتقال برق، متناسب با این رشد نبوده است. بخش عمده‌ای از ظرفیت نیروگاهی کشور برپایه سوخت‌های فسیلی و فناوری‌های قدیمی بنا شده و راندمان پایین، اتلاف انرژی بالا و وابستگی به منابع محدود گاز طبیعی، عملاً حاشیه امنیت شبکه را به حداقل رسانده است. از سوی دیگر فرسودگی و عدم به‌روزرسانی این نیروگاه‌ها نیز از جمله موضوعاتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و به راحتی قابل چشم‌پوشی نیست.

در فصول گرم سال، جهش مصرف ناشی از استفاده گسترده از کولرهای گازی و سرمایش صنعتی، پیک مصرف را از سقف